

## تأثیر جهانی شدن (در حوزه اطلاعات و ارتباطات) بر انقلاب مصر

دکتر عنایت‌اله یزدانی<sup>۱</sup>

طالب ابراهیمی<sup>۲</sup>

اله سرداری<sup>۳</sup>

راضیه صفادل<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۶/۳۰

### چکیده

جهانی شدن شبکه‌ای، به مثابه ساختار قدرت جدید اجتماعی، به کنشگران عربی و مصری، قدرت و پتانسیل کنش در مقابل ساختار حاکم پدرسالارانه مصری را داد. در انقلاب مصر، مردم بیش از هر چیز، امکانات نوینی را که روند جهانی شدن در اختیار بشر نهاده، به خدمت گرفتند. بر این اساس، در دنیای جهانی شده کنونی، مسأله مرکزی، تأثیر بر افکار عمومی است و حلقه مرکزی بر این تأثیر، رسانه‌های جمعی و ارتباطات جهانی می‌باشند. جهانی شدن، این امکان را به وجود آورده که شبکه ارتباطات، تبدیل به عمل جمعی و حرکت جمعی شود. به این معنا، انقلاب کشور مصر، در فرایند جهانی شدن سود می‌جوید. در انقلاب مصر نیز شاهد بودیم که جوانان و شبکه‌ای عرب، چگونه خیابان‌های کشورهای عربی را به تسخیر خود درآوردند. لذا در فرایند انقلاب مصر می‌توان به نقش فناوری‌های نوین اطلاعات اشاره کرد و نقش آن را نادیده نگرفت.

**کلید واژه:** انقلاب، مصر، جهانی شدن، اطلاعات، ارتباطات

۱. دانشیار روابط بین الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان Email: [yazden2006@yahoo.com](mailto:yazden2006@yahoo.com)

۲. مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی کنگان و دانشگاه آزاد اسلامی بندر دیر، کارشناس ارشد روابط بین الملل.

Email: [Ebrahimii63@yahoo.com](mailto:Ebrahimii63@yahoo.com)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی

Email: [sardari.elahe@yahoo.com](mailto:sardari.elahe@yahoo.com)

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه اصفهان Email: [safadelr@yahoo.com](mailto:safadelr@yahoo.com)

#### مقدمه

امروزه گسترش شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی در جهان، نفوذپذیری مرزها و قرار گرفتن مردمان کشورهای مختلف در معرض انواع اوج گوناگون تبلیغات جهانی نشان از در هم تنیدگی جهانی را می‌دهد. هدف اصلی این نوشتار، بررسی جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات در وقوع انقلاب مصر می‌باشد. در واقع، تاریخ جدید عربی در سایه جهانی شدن و شبکه‌های اجتماعی رقم خورده است. به تبع، انقلاب مصر، ادبیات جدیدی را در روابط بین‌الملل و مطالعه انقلاب‌های مجازی به وجود می‌آورد که خود گویای این نکته خواهد بود که خاورمیانه را دیگر نمی‌توان از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی سیاسی صرف غربی مطالعه کرد. از همین زاویه است که این نوشتار سعی می‌کند این جایگاه را مورد بررسی قرار دهد.

هدف این پژوهش تبیین تأثیر جهانی شدن (در حوزه اطلاعات و ارتباطات) بر انقلاب مصر می‌باشد، و این سوالات مطرح است: - جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات چه تأثیری بر فرایند انقلاب مصر گذاشت؟ شبکه‌های اجتماعی (اینترنت و ماهواره) چه تأثیری بر روند انقلاب مصر گذاشت؟ در پاسخ به این سوالات این فرضیات مطرح است که انقلاب مصر همراه و همسو با فرایند جهانی شدن اطلاعات حرکت نموده است. در پاسخ به سوال دوم فرضیه ذیل قابل طرح است که با ورود بهار عربی در کشورهای عربی، انقلاب مصر نیز متأثر از شبکه‌های اجتماعی از این انقلابات تأثیر پذیرفته است.

#### روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات از روش‌های گوناگون و به‌طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت پذیرفته و تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز عمدتاً با شیوه تحلیل کیفی انجام پذیرفته است.

#### ۱. چارچوب نظری (جهانی شدن)

جهانی شدن پدیده نوظهوری نیست بلکه فرایندی است که همگام با افزایش آگاهی انسان نسبت به خود و محیط طبیعی و اجتماعی، از آغاز تاریخ وجود داشته است. از جنگ جهانی دوم به بعد با رشد تجارت جهانی، افزایش تحرک سرمایه در سطح

### تأثیر جهانی شدن (در حوزه اطلاعات و ارتباطات) بر انقلاب مصر ۴۳

بین‌المللی، مهاجرت نیروی کار و کاهش موانع تجاری براساس قراردادهای بین-المللی، شکل دیگر و سرعت بیشتر پیدا کرد. در سالهای اخیر هم با سرعت فزاینده دانش و فناوری و فروپاشی ابرقدرت شرق و پایان دوران جنگ سرد، شتاب بی‌سابقه‌ای گرفته است.

این واژه را گاهی به جهانی شدن و زمانی به جهانی سازی ترجمه می‌کنند. با نگرشی سطحی ممکن است این دو اصطلاح مترادف به نظر آیند، اما این دو ترجمه به لحاظ بار معنایی و واقعیت کاربردی و ابزاری که منعکس می‌کنند با هم تفاوت دارند. در برگردان اول یعنی جهانی شدن، القای نوعی اراده و اختیار مورد نظر است و می‌خواهد این پیام را به خواننده منتقل کند که جهانی شدن، واقعیتی است ملموس و ضرورتی است گریزناپذیر که هر جامعه اگر خواهان رفاه شهروندانش باشد، چاره ندارد جز اینکه خود را با این جریان نیرومند، ضروری و مفید به حال کشورها و به حال جامعه بشری، سازگار کند و با طیب خاطر و اراده آزاد به مقتضیات آن گردن نهد.

در برگردان دوم یعنی جهانی سازی، سعی بر این است که به واقعیت دیگری اشاره شود و آن اینکه: جهانی سازی طرحی است که توسط کشورهای ثروتمند و قدرتمند دنیا و در رأس آنها آمریکا، تدوین شده و منظور از آن ادامه سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی بر دیگر کشورهای عالم است. آمریکا از مدتها قبل از فروپاشی شوروی، سودای رهبری دنیا و دستیابی بیشتر به منابع کشورهای دیگر به ویژه کشورهای جهان سوم را در سر داشته است.

جهان‌گرایی را همان جهانی شدن برنامه‌ریزی شده می‌دانند که در آن دنیایی بی‌مرز تحقق می‌یابد. می‌توان گفت که جهانی شدن بدین سان کیفیت و ویژگیهای تازه‌ای می‌یابد. اگر جهانی شدن به گونه‌ی ضمنی گرایشی به سوی نظام اجتماعی باشد، ریشه‌های آن را می‌توان در تاریخ یافت که پس از جنگ جهانی دوم به مرحله‌ی جدیدی رسید و ذهنیت نسبت به فضای جغرافیایی به گونه‌ی چشمگیر دستخوش تحول شد تا جایی که برخی ادعای " پایان جغرافیا" را مطرح کردند (Bennet 1988:31-52). جهانی شدن مفاهیم گوناگون دارد و اتفاق نظری برای تبیین تعریفی واحد از این پدیده دیده نمی‌شود؛ چون این پدیده هنوز به مز تکامل نهایی نرسیده و همچنان دستخوش تحول است و با گذشت زمان، ابعاد تازه‌ای از آن مشخص و نمایان می‌شود.

مارتین آلبرو<sup>۱</sup> جهانی شدن را فرآیندهایی می‌داند که پایه آن همه ساکنان کره زمین در جامعه‌ای واحد و فراگیر به هم می‌پیوندند. در این تعریف همانند گفته‌های بسیاری از نظریه‌پردازان، سه نکته وجود دارد: کاهش نقش مرزهای جغرافیایی - تنیده شدن منافع فرد و کشور در منافع مردمان جهان و کشورهای پیرامونی - تبدیل واژه ملی به بین-المللی. به گفته الوین تافلر<sup>۲</sup> جهانی شدن عصر دانایی است؛ زیرا نه تنها کالا، خدمات و سرمایه بین ملت‌ها گوناگون جهان مبادله می‌شود، بلکه افکار و دانش بشری نیز آسان‌تر از گذشته در اختیار ملت‌ها قرار خواهد گرفت (سیدنورانی ۱۳۷۹: ۱۵۸).

مک گرو<sup>۳</sup> معتقد است که جهانی شدن یعنی: افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت و در نتیجه فراتر از جوامع در حرکتند تا نظام تازه جهانی را بسازند. جهانی شدن به فرآیندی گفته می‌شود که از طریق آن تصمیمات و اقدامات یک بخش از جهان بتوانند نتایج پر اهمیتی برای افراد و جوامع در بخش‌های دور کره زمین داشته باشند (ویلیامز ۱۳۸۳: ۱۳۷).

لابن و شرکر (۲۰۰۷) به این تعریف از آن اشاره دارند که عبارت است از، فرایند یکپارچه شدن در حدی وسیع در قالب یک اقتصاد جهانی از طریق تحرکات و جابجایی خدمات و کالاها، سرمایه، فناوری و (در سطح پایین‌تری) نیروی کار، که به طور فزاینده‌ای منجر به این می‌شود که تصمیمات اقتصادی تحت تاثیر شرایط جهانی شکل بگیرند، یا به عبارت دیگر، فرایند ظهور یک بازار جهانی را مدنظر دارند (Labonté and Schrecker 2007:3-6).

از مجموعه تعاریف فوق، چند ویژگی اصلی را می‌توان برای جهانی شدن استنتاج کرد:

- فرایند بودن جهانی شدن؛
- تراکم آگاهی؛
- حذف مرزهای جغرافیایی و فراملی شدن؛
- فرآیند مدیریت شده (به عبارتی، جهانی شدن، ماهیتاً یک فرایند است و در اجرا یک پروژه)؛

---

1. Martin Albero  
2. Alvin Toffler  
3. MC Grew

- پیچیده بودن؛
- ایجاد وابستگی متقابل؛

یکی از دغدغه‌های مهم و اساسی کشورهای در حال توسعه، آثار و پیامدهای جهانی شدن است. از جمله واکنش‌های انفعالی این کشورها برای مقابله با پدیده جهانی شدن، ورود آنها به همگرایی‌های اقتصادی و منطقه‌ای است. در واقع، روی آوردن به ترتیبات تجاری و همگرایی‌های اقتصادی - منطقه‌ای می‌تواند یکی از راه‌های مقابله با فرایند جهانی شدن باشد. و اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه را در مقابل رقابت جهانی حفظ کند.

جهانی شدن چه ضرورتی تاریخی و خودجوش باشد و چه پروژه‌ای برنامه‌ریزی شده و تحمیلی، واقعیتی است که پیش روی جهانیان قرار دارد و فرصت بازیگری در این میدان بر روی همه جوامع باز است. در این میدان هم فرصت فراوان است هم خطر. هر جامعه که توانایی به خدمت گرفتن ابزارهای موجود و استعدادهای بالقوه خود را در چارچوب مرزهای ملی داشته باشد و شیوه به کارگیری آن را در رابطه با دیگر کشورها به گونه‌ای سازگار با شرایط و مقتضیات جهان قرن بیست و یکم بداند، قابلیت بازیگری موفقیت‌آمیز در این میدان را خواهد داشت.

بنا بر دسته‌بندی‌هایی که درباره جهانی شدن انجام شده و با توجه به تعاریفی که از این موضوع ارائه شده، چهار دسته از نظریه‌های جهانی شدن می‌توان ارایه کرد:

۱-۱. **نظریه‌های لیبرال:** این نظریه‌ها معتقد به گسترش جهانی شدن و جهان شمولی لیبرال دمکراسی در حوزه‌های جهانی و در سیاست، گسترش اقتصاد بازار و ارزش‌های جهانی لیبرال دمکراسی می‌باشند. از نظریه‌پردازان برجسته آن می‌توان به دیوید هلد، آنتونی مک کرو، دیوید گلدیت و جاناتان پرولون<sup>۱</sup> اشاره کرد. گلدیت و پرولون<sup>۲</sup> در کتاب «نقل و انتقالات جهانی»<sup>۳</sup> - و بگاهی<sup>۴</sup> هم به این نام دارند- جهانی شدن را با روش‌های رفتارگرایانه و استفاده از آمارها و جدول‌ها توضیح داده‌اند. آنها جهانی شدن را یک فرایند گسترده و در برگیرنده سازمان‌ها و نهادها می‌دانند.

---

1. Jonathan Prvlvn  
2. Gldyt and Prvlvn  
3. Global Transformation  
4. Website

جوزف تامیل<sup>۱</sup> و رابرت کوهن<sup>۲</sup>، که از نظریه‌پردازان وابستگی متقابل هستند را نیز می‌توان در دسته معتقدان به جهانی شدن قرار داد اما آنان وجه لیبرال جهانی شدن را کم سو و کم اثر می‌دانند و بیشتر به افزایش وابستگی‌های متقابل نظر دارند (سلیمی، ۱۳۸۵: ۴۴-۳۶). کنیچی اوهمای<sup>۳</sup> ژاپنی و فرانسیس فوکویاما<sup>۴</sup> نیز از جهان‌گرایان لیبرال افراطی هستند که جهانی شدن را آخرین حلقه گسترش لیبرال دمکراسی و خط پایانی تاریخ «پرافتخار» بشریت ذکر می‌کنند (اومایی، ۱۳۸۶: ۹۵).

۱-۲. **واقع‌گرایان:** کنت والتس<sup>۵</sup>، رابرت گیلپین<sup>۶</sup> و استفن کراسنر<sup>۷</sup> از اندیشمندان روابط بین‌الملل هستند که به طور کلی در زمینه نفی جهانی شدن یا امکان وقوع آن در گذشته گام برداشته‌اند. والتس، بنیانگذار و مهم‌ترین چهره نو واقع‌گرایی، می‌گوید که اولاً چیزی که به نام جهانی شدن از آن سخن می‌گویند در کشورهای پیشرفته آن هم در برخی از آنها صورت پذیرفته و دوم آنکه، در این کشورها، جهانی شدن در تجارت و امور اقتصادی رخ داده و حوزه‌های امنیت و سیاست با این پدیده روبه‌رو نشده‌اند و همچنان دولت‌ها حرف اول و آخر را می‌زنند. رابرت گیلپین نظریه‌پرداز اقتصاد سیاسی بین‌الملل نیز، وضعیت جدید را دوره ثبات هژمونیک با محوریت آمریکا معرفی می‌کند و افزایش ارتباطات در حوزه‌های گوناگون تجاری، سیاسی، فرهنگی و روابط بین‌الملل‌ها را به معنای درهم شدن آنها و از میان رفتن مرزها یا قدرت دولت‌های ملی نمی‌داند (سلیمی، ۱۳۸۵: ۴۸-۴۶).

۱-۳. **مارکسیست‌ها و نومارکسیست‌ها:** هری مگداف<sup>۸</sup>، سمیر امین<sup>۹</sup>، امانوئل والرشتاین<sup>۱۰</sup>، یورگن هابرماس<sup>۱۱</sup> و مارتین کور<sup>۱۲</sup> نیز نظریه‌پردازان مخالف جهانی شدن هستند که به این واقعه بسیار بدبین بوده و آن را بنیان پرافکن و بسیار آسیب

1. Joseph Tamils
2. Robert Cohen
3. Knychy Avhmay
4. Francis Fukuyama
5. Kenneth Valts
6. Robert Gylpyn
7. Stephen Krasnr
8. Harry Mgdaf
9. Samir Amin
10. Emanuel Valrshtayn
11. Jürgen Habermas
12. Martin Core

زا می‌دانند. مشروح استدلال تعدادی از این نظریه پردازان در ادامه خواهد آمد. دیدگاه آنها از این جهت که نفز گرا و کاملاً غیر اثباتی است قابل نقد است گر چه می‌توان گفت آنها جنبه‌های منفی قضایا را دیده‌اند. ارچندان‌ها می‌بایست می‌پذیرفتند که این همه واقعیت نیست زیرا همه جنبه‌های واقعیت، زیان بار و نا امید کننده نیست.

۱-۴. نگرش جامعه شناختی: نه به معنای رشته جامعه شناسی بلکه به معنای کسانی که از بعد نگرش‌های اجتماعی به پدیده جهانی شدن نگریده‌اند. مباحث پسامدرن جهانی شدن و بازاندیشی<sup>۱</sup>، شکل گیری جامعه پساوردی و سرمایه داری بی سازمان، کثرت گرایی و نسبی گرایی فرهنگی در این دسته قرار می‌گیرند. طرفداران بازاندیشی در مدرنیته به شکل گیری جامعه مدرن فراصنعتی باور دارند و تجدید نظر مداوم در مورد ساختارهای اجتماعی مدرنیته برتر را مورد توجه نظری قرار داده‌اند (چشمه خاور، ۱۳۸۵: ۵۲). به نظر گیدنز، ما با یک دنیای جهانی شده چند وجهی روبه رو هستیم که در آن چهار وجه مدرنیته، جهانشمول شده است (Giddens, 1996: 71).

## ۲. جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات

موردی که دیدگاه و گستره جهانی شدن را در عرصه زندگی امروز توسعه بخشیده، وسعت این نظریه و مفهوم است که جنبه‌های متنوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی، معماری، و اطلاع‌رسانی را قابل توجه می‌کند. از دیدگاه ماهوی، جهانی شدن با حوزه اطلاع‌رسانی دارای روابطی است که به ایجاد جامعه‌ای علمی منتهی می‌شود که در آن، جریان پیوسته اطلاعات، انتشار سریع عقاید و افکار را تسهیل می‌کند (اسماعیلی، ۱۳۸۱: ۲۲). برخی از اندیشمندان ایرانی این میسر را ملازم «سهولت ارتباط بین افراد» تلفی کرده‌اند (ریاضی، ۱۳۸۰: ۱۷۰). در راستای این اندیشه، چارچوب جهانی شدن بر مبنای افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابل، شکل گرفته است که از دولت فراتر می‌رود. ارتباطات در اخذ تصمیمات و در فعالیت‌های ملی و محلی نتایج قابلی را برای افراد و جوامع دربر خواهد داشت.

در جهان امروز استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در سطوح مختلف قرار دارد،

### 1. Reflexivity

میزان بهره‌وری کشورها از آن متفاوت می‌باشد. فشارهای زیادی از سوی بازار جهانی به پذیرش این استانداردها و روشهای فن‌آوری در گمرک، وزارت‌های دارایی، سیستم‌های مخاوراتی و ... بر کشورها وارد می‌شود. از این رو بیشتر کشورهای جهان ضمن انطباق با شرایط موجود، خواستار بیشترین استفاده از این فناوری می‌باشند. در جدول زیر به میزان استفاده کشورها از فن‌آوری اطلاعات پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۱- کشورهای عمده استفاده کننده از فناوری اطلاعات و ارتباطات

ردیف	کشورها	میزان استفاده	عوامل کارایی و ناکارایی
۱	کشورهای آمریکای شمالی	زیاد و خیلی زیاد	فعال بودن بخش خصوصی در این کشورها عامل اساسی در موفق و فعال بودن می‌باشد
۲	کشورهای آمریکای لاتین	متوسط رو به پایین	عدم مشارکت فعال دولت و بخش خصوصی
۳	کشورهای اروپای شرقی	متوسط رو به بالا	کمک‌های کشورها و سازمانهای جهانی و فعالیتهای بخش خصوصی
۴	کشورهای اروپای غربی	زیاد و خیلی زیاد	تشکیل اروپای واحد و تاکید بر انسجام بخشی در امور کشورها و فعال بودن بخش خصوصی
۵	خاورمیانه و آفریقای شمالی	کم و متوسط	ضعف اقتصادی و وابستگی به اقتصاد جهانی
۶	شرق آسیا	متوسط و زیاد	بالا رفتن رشد اقتصادی نیاز به فناوری اطلاعاتی را لازم دارد
۷	ژاپن و کره جنوبی	زیاد و خیلی زیاد	توسعه اقتصادی بالا و اقتصاد شکوفا
۸	جنوب آسیا	متوسط و زیاد	بالا رفتن رشد بالای اقتصادی و تاکید بر اقتصاد اطلاعاتی
۹	آفریقای جنوبی	متوسط رو به بالا	سرمایه گذاری و رشد اقتصادی

منبع: بر گرفته از؛ شوار و کیمبرلی، ۱۳۷۷: ۵۲-۴۶

در جدول فوق مشاهده می‌کنیم که میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورهای مختلف، متفاوت می‌باشد از کشورهای مانند امریکا، ژاپن و اروپای غربی



(بیشترین استفاده) گرفته تا کشورهای آفریقایی و خاورمیانه (کمترین استفاده) را دارا می‌باشد، که تعیین کننده میزان وابستگی و ادغام در بین آنها می‌باشد. از این رو نتایج زیر را از جدول فوق می‌توان گرفت:

۱. یک قطب‌بندی بین کشورها از لحاظ استفاده و کاربرد آن بین کشورها در میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به وجود آمد (امریکا با بیشترین و کشورهای آفریقایی مرکزی با کمترین استفاده)؛
۲. وابستگی کشورهای آفریقایی و آسیایی (جنوبی و شرقی) به کشورهای غربی در این حوزه بسیار زیاد بوده که یک ضعف عظیمی می‌باشد؛
۳. سطح استفاده فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورهای خاورمیانه در سال‌های اخیر رشد را نشان می‌دهد که حاکی از افزایش سطح آگاهی در بین مردم این کشورها می‌باشد.

بی‌تردید موضوعی که بر جهانی شدن به طور عینی تأثیر داشته رشد شبکه ارتباطات جهانی در عرصه کنونی روابط فردی و اجتماعی است. این گستره جایگاه عمیقی را از نظر فناوری و ارتباطات و وسایل و ابزار ارتباطی در صحنه بین‌المللی فراهم آورده و رشد فناوری اینترنت و زایش وبسایت‌ها، جایگاه نوینی را در عرصه بین‌المللی پدید آورده است. روایت‌های متفاوتی از میزان کمی رشد اینترنت جهانی قبل از هزاره جدید در سال ۲۰۰۰ میلادی موجود است. مثلاً دکتر «فرهنگ رجایی» به نقل از نیویورک تایمز استفاده‌کنندگان از اینترنت را تا ۱۹۹۴ میلادی ۵۰ میلیون نفر شمرده (رجایی ۱۳۷۹: ۱۱۹). و دکتر «حسن افراخته» کاربران را تا ۱۹۹۷ میلادی حدود ۳۰ میلیون نفر ذکر می‌کند (افروخته ۱۳۸۰: ۱۴۷). بر همین مبنا رشد وبسایت‌های جهانی در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ میلادی نفوذ چشمگیری در عرصه اطلاعات به همراه داشته و از ۱۰,۰۰۰ به ۸۰۰,۰۰۰ وبسایت ترقی یافته. به همین دلیل بود که «آنتونی گیدنز» و حامیان وی به نظریه «زمان جهانی» گرایش یافتند. یکی از مفسرین این نظریه می‌نویسد: «هر حادثه‌ای در هر گوشه‌ای از جهان به بخشی از زندگی روزمره جهانی و به موضوعی تبدیل می‌گردد که همه می‌توانند آن را ببینند، درباره‌اش داوری کنند و نسبت به آن اعمال فشار نمایند (گدازگر ۱۳۸۱: ۲۳۴).

گستره توجه به فناوری اطلاعات در سال‌های دهه هشتاد میلادی آغاز شد، یعنی زمانی که صاحبان صنایع بیش از یک تریلیون دلار در این حوزه سرمایه‌گذاری کردند و تا

پایان دهه نود به بازدهی قابل توجهی در صنایع تولیدی و خدماتی فناوری اطلاعات منتهی شد. بر اساس تحقیقی که به سفارش «دانشگاه برکلی» در ایالات متحده آمریکا صورت یافته، حافظه دیجیتالی به منزله کارآمدترین رسانه ذخیره‌سازی اطلاعات مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، قیمت حفظ و نگهداری اطلاعات به شدت در حال کاهش است، به طوری که قیمت یک گیگا بایت ظرفیت ذخیره‌سازی اطلاعات که در سال ۲۰۰۰ میلادی کمتر از ۱۰ دلار بود، در سال ۲۰۰۵ به یک دلار تنزل خواهد یافت (رجبی، ۱۳۸۲: ۲۰).

بر اساس این گزارش سه عامل در تولید رسانه‌های اطلاعاتی (مشمول بر کاغذ، فیلم، دیسک‌های نوری، و مغناطیسی) مؤثر بوده که عبارتند از: کاهش میزان منابع چاپی، مردمی کردن تولید اطلاعات، و پذیرش واقعیت غلبه رسانه دیجیتال بر دیگر بسترهای اطلاعاتی. درصد رشد سالانه اطلاعات ذخیره‌شده جهان در سال ۱۹۹۹ از این قرار است: کاغذی ۲۰ درصد، فیلم ۴ درصد، دیسک‌های نوری ۷۰ درصد، و مواد مغناطیسی ۵۵ درصد.

همین گزارش در بخش ارتباطات دیجیتالی به رشد چشمگیر حجم صفحات ایستا (Html) در وب در سال ۲۰۰۰ اشاره کرد که حدود ۲۱ ترابایت بوده و هر سال دو برابر می‌شود. بالاترین میانگین مصرف اطلاعاتی در آغاز هزاره نوین مربوط به رادیو و تلویزیون، و کمترین میانگین مصرف مربوط به رسانه‌های چاپی نظیر کتاب، مجله، و روزنامه بوده است. بالاخره این که بالاترین رشد فزاینده مربوط به فیلم‌ها، بازی‌های ویدیویی، و استفاده از اینترنت است (رجبی ۱۳۸۲: ۲۰).

### ۳. فرایند انقلاب مصر

اولین جرقه بهار عربی درحقیقت در ۱۵ ژانویه ۲۰۱۱ م. (۲۵ دی ۱۳۸۹ خ.) با تظاهرات شهروندان مصری در مقابل سفارت تونس که برای حمایت از انقلاب تونس بود آغاز شد. بسیاری از تحلیلگران تظاهرات فوق را اولین جرقه انقلاب مصر قلمداد می‌کنند (وبگاه خبرگزاری عصر ایران ۱۳۸۹). به هر حال تحولات ژانویه ۲۰۱۱ که در آن، بیداری اسلامی نهایتاً منجر به کناره‌گیری حسنی مبارک از قدرت گردید. گرچه ساختارهای قدرت در مصر تغییرات نسبی‌ای داشته باشند و کارگزاران تغییر نمایند. بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه کشور مصر وارد حیات سیاسی نوینی شد. شورای نظامی در این

کشور قدرت را در دست گرفت لذا حاکمیت این شورا نه تنها دگرگونی‌هایی داخلی، بلکه تغییراتی را در عرصه سیاست خارجی مصر نیز ایجاد کرد. به طوری در یکی از این موضع‌گیری‌ها نخست وزیر اسرائیل اظهار داشت از عاقبت مصر می‌ترسد که حکومتی اسلامی -مانند ایران- در آن به‌وجودآید. هرچند که اهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل گفت که برای حسنی مبارک هنوز نیز احترام بسیاری قائل است، اما اسرائیل دیپلمات ویژه‌ای را به مصر فرستاده‌است تا با مقامات شورای عالی نظامی مصر و دولت انتقالی قاهره دیدار کند تا آینده مناسبات و تماس‌ها را بررسی کند (سایت باشگاه، ۱۳۸۹).

در پی ناآرامی‌های مصر مردم مصر با دعوت از مخالفین تظاهراتی میلیونی در میدان التحرير قاهره تشکیل دادند. تنها در یکی از این تظاهرات‌ها پانصد تن دستگیر و روانه زندان حکومت مصر شدند. فعالان سیاسی مصر با انتشار بیانیه‌هایی در صفحه‌ای در فیس‌بوک به نام «همه خالد سعید هستیم» از ملت مصر درخواست کردند، پس از نماز جمعه در اعتراض به شرایط بد معیشتی و ادامه «انقلاب خشم» در تظاهرات اعتراض‌آمیز روز خشم، میلیونی و سراسری شرکت کنند. مردم و اقشار مختلف جامعه مصر بویژه جوانان مصری با در دست داشتن پلاکارد و سردادن شعارها علیه حکومت حسنی مبارک در این روز خواهان کناره‌گیری رئیس جمهور مادام‌العمر مصر از قدرت و برقراری آزادی و دموکراسی واقعی در کشورشان شدند. در این تظاهرات نیروهای ضد شورش به طور گسترده با مردم با شلیک گلوله و گاز اشک‌آور و ماشین‌های آپ پاش درگیر شدند. در این تظاهرات شخصیت‌ها، گروه‌ها و احزاب مختلف مصر بویژه گروه اخوان‌المسلمین شرکت داشتند. ناظران سیاسی تظاهرات روز خشم را برای تعیین سرنوشت مبارک تعیین کننده می‌دانستند (تابناک، ۱۳۸۹).

سرانجام در تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ پس از فشار بی‌امان مردم با حضور در تظاهرات‌های میلیونی در مصر حسنی مبارک رئیس جمهور مادام‌العمر مصر مجبور شد با اعلام حکومت نظامی در شهرهای قاهره، اسکندریه و سوئز به مقابله با تظاهرات‌ها برود. حسنی مبارک با دستور مستقیم خود به تمامی نیروهای امنیتی کشور دستور شلیک گلوله به طرف تظاهرکنندگان را صادر نمود و نیروی هوایی را به حالت آماده باش درآورد. در همین روز دیوار صوتی در میدان تحریر قاهره توسط جنگنده‌های ارتش مصر شکسته شد (تابناک، ۱۳۸۹).

پرواز ناگهانی او توسط سایت عربی «اخبار العرب» متعلق به امریکا گزارش داده شد.

با افزایش درگیری‌ها و اعتراضات در قلب مصر، توئیتر در تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ توسط دولت مصر فیلتر شد، دولت مصر معتقد بود که مخالفین از طریق شبکه اجتماعی توئیتر دست به هماهنگی‌های بیشتر می‌زنند (خبرگزاری ایتنا، ۱۳۸۹). هنوز یک روز از فیلتر شدن توئیتر نگذشته بود که دولت مصر اینترنت سراسری در مصر را قطع کرد (خبرگزاری آفتاب، ۱۳۸۹).

با گسترش دامنه اعتراضات حسنی مبارک دولت را برکنار و عمر سلیمان را در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۱ رسماً به عنوان نخست وزیر جدید مصر منصوب کرد، عمر سلیمان تا قبل از آن رئیس دستگاه امنیتی در مصر بود (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹).

بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان مسائل سیاسی حوزه عربی بر این اعتقاد بودند که اگر در مصر با این درجه از اهمیت و جایگاه و وزن سیاسی و اقتصادی و راهبردی عربی؛ جابه‌جایی سریع قدرت صورت گیرد و نیروهای مردمی بر غول استبداد داخلی با سابقه چندین دهه حاکمیت فراز آید موج این دگرگونی و تغییرات بی‌درنگ به همه اندام و ساختار جهان عرب سرایت و معادله قدرت به سود مردم و برقراری دموکراسی و برآمدن حاکمیت‌های ملی و مردمی می‌انجامد.

درستی این نظریه تا حدودی تبیین و محرز شده است و می‌رود که این تغییرات در دیگر کشورهای عربی با حاکمیت‌هایی به قدمت چندین دهه محقق و نقش آفرینی نماید.

تراکم مطالبات مردمی و احزاب و نیروهای اسلامی و ملی طی چندین دهه از عصر ناصر تا عهد مبارک و ظلم و فساد اداری و دور کردن متن مردم و احزاب مورد احترام آنها از هرم قدرت سیاسی و نیز سرکوب ندای آزادی‌خواهی و برابر طلبی مردم و احزاب و سازمان‌های اسلامی و دانشجویی و حرکت‌های روشنفکری و به زندان افکندن نیروهای اسلامی و عناصر دینی فرهیخته و مبارزین بومی و مذهبی و تقلب و تزویر در برگزاری انتخابات متعدد مجالس شورا و سنا و شوراهای شهری و محلی و ریاست جمهوری و امنیتی کردن فضای عمومی جامعه و اعطای امتیازات فراوان به لابی صهیونیسم و امریکا و ده‌ها فاکتور دیگر اجتماعی و اقتصادی منجر به موج سنگین تحولات و خواست‌های ملی اخیر برای انجام تغییرات ریشه‌ای و نیز برقراری حاکمیت ملی و احترام به اسلام و مجازات عاملین سابق و برگرداندن بیت‌المال به تاراج رفته به خزانه ملی و انجام اقدامات حمایتی و کمک به اقشار محروم و فقیر و سرکوب شده

است.

#### ۴. تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر انقلاب مصر

انقلاب بزرگ مردم مصر با توجه به شیوه‌های نوین آن، به انقلاب پست مدرن یا انقلاب سفید مشهور است. این انقلاب را جمهوری دوم نیز می‌دانند. به عبارتی، جمهوری اول به دوره زعامت جمال عبدالناصر برمی‌گردد. بنابراین، می‌توان این گونه بیان داشت که گروه‌های اصلی دعوت کننده در روز ۲۵ ژانویه که مصادف بود با اولین برگزاری نماز جمعه اعتراضی (جمعه، خشم)، عبارتند بودند از جنبش ۶ آوریل که متشکل از گروه خالد سعید و جوانان اخوان حمایت کنندگان از البرادعی، جنبش جوانان عدالت و آزادی و گروهی از جوانان حزب جبهه مردم سالاری و حرکت الغد. این گروه‌ها، ابتدا در فیس‌بوک و با الهام از انقلاب تونس، اقدام به راه‌اندازی صفحه فیس‌بوکی «جمعه خشم» کردند.

سازمان‌های رسمی آمریکایی به حضور جوانان در خیابان‌های عربی در بهار عربی و اعتراض به نتایج انتخاباتی در برخی از کشورهای عربی درگیر انقلاب، واکنش‌های متفاوتی نشان داده‌اند، اما همگی آنان بر این نکته تأکید دارند که شبکه‌هایی مانند "فیس‌بوک"، "گوگل" یا "توییتر" در این میان نقش به‌سزایی را ایفا کردند و فعالان مطبوعاتی و رسانه‌ای نمی‌توانند تأثیرات آنان را نادیده بگیرند. در مقاله‌ای که توسط ستون نویس روزنامه وال استریت ژورنال به رشته تحریر درآمده بود، بر این نکته تأکید شده بود که تمامی این اتفاق‌ها بدون توییتر امکان پذیر نبود. "آندرو سولیان" یکی از معروف‌ترین وبلاگ نویسان آمریکایی معتقد است که توییتر یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین ابزارها برای سازماندهی مقاومت در برابر حاکمان مستبد خاورمیانه بود (www.irdiplomacy.ir).

بنابراین، انقلاب ۲۵ ژانویه، نتیجه خلاقیت در استفاده از منابع قدرت جدید در جامعه مصر از طریق کاربرد شبکه‌های اجتماعی، همچون فیس‌بوک و توییتر و نظایر آن بود. این فناوری‌ها و شبکه‌های اجتماعی، به شکلی بی‌سابقه در برپایی بسیج جوانان و گردهمایی آنان در میدان التحریر قاهره و شهر اسکندریه، نقش حیاتی را به رغم فشارهای امنیتی ایفا نمود. یکی از این گروه‌های بزرگ فیس‌بوکی «ما همه خالد سعید هستیم» ۴۰۰ هزار جوان اینترنتی را مهیای بسیج در فعالیت‌های اعتراضی در تاریخ ۲۵

ژانویه کرد ( عبدالحی ۲۰۱۱: ۴).

در مجموع، رسانه‌های اجتماعی در انقلاب مردم مصر، به خصوص شبکه‌های اجتماعی، تا قبل از مسدود شدن اینترنت، برای سازماندهی اعتراضات ضد دولتی به کار گرفته شدند. اگرچه، سرویس اینترنت از کار افتاده بود، اما معترضین از روش‌های جایگزین استفاده کرده و پیام‌ها را توییت می‌کردند (فارق ۲۰۱۱).

ریشه اصلی این اعتراض سراسری، به دعوت این گروه در اعتراض به تقلب در انتخابات پارلمانی پایان سال ۲۰۱۰ میلادی مصر می‌رسد. از میان افراد دیگری که به صورت مستقل و جدا از ایدئولوژی‌های حزبی به صورت مجازی در انقلاب مصر مشارکت داشتند، می‌توان به افرادی همچون وائل غنیم، عبدالرحمن فارسی و احمد دومه اشاره کرد. این گروه، هم اکنون مشغول راه‌اندازی حزب جدیدی به نام "جریان مصری" هستند. همچنین، جوانان مصری خارج از کشور نیز از طریق فیس‌بوک اقدام به راه‌اندازی صفحه‌هایی در باب اخبار انقلاب مصر کردند، صفحه‌هایی که پیش از آن شخصی بود و در پرتو گفتمان انقلابی و فیس‌بوکی، به صفحه‌های اخباری و تبلیغاتی نمایش اخبار و ویدئوهایی از صحنه‌های نبرد خیابانی مردم مصر با نیروهای امنیتی و لباس شخصی (البطجیه) مبدل شدند (عبدالحی ۲۰۱۱: ۵). بنابراین، به چالش کشیدن دولت حسنی مبارک توسط جوانان اینترنتی مصری، نه تنها جهان عرب، بلکه بسیاری از کشورهای مختلف را با این واقعیت روبه‌رو ساخت که جهان جدید فیس‌بوکی آغاز شده و این آغاز به معنای تغییر اساسی در روش و نوع مدیریت سیاسی ملی و بین‌المللی است.

در جریان ناآرامی‌های مصر، الجزیره، گزارشی از فعالیت‌های آنلاین معترضین مصری در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد. این شبکه، تأکید داشت که شبکه‌های اجتماعی آنلاین توسط فعالان برای برقراری ارتباطات و سازمان دهی اعتراضات ضد دولتی به کار گرفته شدند. مقامات مصری نیز اینترنت و خدمات تلفن همراه را برای سرکوبی و فرونشاندن اعتراضات ضد نظام مسدود کردند، اما این اقدامات دیر به اجرا درآمد. در همین ارتباط، معترضین، اخبار آنلاین مربوط به اعتراضات روز جمعه (جمعه خشم) را منتشر کردند و فهرست میدان‌هایی که مردم باید در آنها جمع می‌شدند را به گوش همه می‌رساندند. این فراخوان‌ها در توییت و فیس‌بوک، از ابتدای صبح جمعه منتشر شد. یک کاربر توییت نوشت، معترضین مصری از مسجد و کلیسا شروع کردند و هم مسلمانان و هم مسیحیان (قبطی‌ها)، همه حضور داشتند. تظاهرات در خیابان‌های قاهره در ابتدا به

صورت پراکنده و در فضایی آکنده از عدم اعتماد به نفس آغاز شد، مردم با شعار «بیاید، بیاید» دیگران را دعوت به تظاهرات کردند. پس از آن، رسانه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای، همچون العربیه و الجزیره، از خیزش عمومی و فریاد سخن گفتند (مروان ۲۰۱۱: ۳).

نام‌گذاری‌های روز جمعه و تظاهرات پس از نماز جمعه، یکی از روش‌های جدید انقلاب مردم مصر بود. از جمعه خشم در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ تا جمعه رفتن یا جمعه فرار و بالاخره، جمعه پایانی، از طریق همین شبکه‌های اجتماعی سازماندهی می‌شد. به عبارتی، در جمعه پایانی به تاریخ ۲۰۱۱، همگان شاهد بودند که فشار شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای برای تشویق مردم و حرکت آنان از میدان التحریر تا کاخ حسنی مبارک، چگونه موجب اعلام برکناری مبارک توسط عمر سلیمان (معاون وی) شد (مروان ۲۰۱۱: ۶).

فعالان ۶ آوریل، خودشان را جوانان مصری که هیچ وابستگی به جریان‌های سیاسی ندارند، معرفی و هدفشان را تحول در صحنه سیاسی مصر اعلام کرده‌اند. این جنبش، در سال ۲۰۰۸ میلادی از لابه‌لای صفحه‌های فیس‌بوک با بیش از ۷۵,۰۰۰ عضو جوان برای دعوت از مردم مصر به منظور سازماندهی اعتصاب عمومی آوریل ۲۰۰۸ در همراهی با کارگران کارخانجات اعلام موجودیت کرد. کشته شدن سه نفر و بر جای ماندن ده‌ها زخمی در این تظاهرات، جوانان ۶ آوریل را به عنوان یکی از جریان‌های سیاسی نامرئی مصر مبدل ساخت. گرچه دعوت سراسری این گروه برای اعتصاب آوریل ۲۰۰۹ به شکست انجامید، ولی سایبری ۶ آوریل در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، پس از مشارکت آنها در تأسیس جنبش ائتلاف جوانان» با همکاری جوانان اخوان المسلمین، الجبهه، عدالت و آزادی و همچنین، حمایت از کاندیداتوری البرادعی، چه در اقدام او جهت بازگشت به مصر در روز جمعه خشم، این جریان اجتماعی فیس‌بوکی را به یکی از جریان‌های مهم در وقوع و تکوین انقلاب مصر مبدل ساخت (عبدالحی ۲۰۱۱: ۸).

مطابق آمار رسمی، کاربران اینترنتی در مصر، قبل از ۲۵ ژانویه بالغ بر ۲۱/۲ میلیون نفر بود که بعد از انقلاب، به ۲۳/۱ میلیون نفر افزایش یافته است. گزارش تکنو وایرسی می‌افزاید که تأثیر شبکه‌های اجتماعی، همچون فیس‌بوک و تویتر، به حدی در انقلاب مصر زیاد بود که قبل از ۲۵ ژانویه، ۴/۲ میلیون نفر از این شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند که پس از انقلاب، به ۶ میلیون رسیده است ([www.Saudiyou.com](http://www.Saudiyou.com)).

## نتیجه‌گیری

قدرت، پتانسل رابطه‌ای است که کنشگر اجتماعی را قادر می‌سازد به طور متفاوتی بر تصمیمات دیگر کنشگران اجتماعی تأثیر بگذارد. پتانسیل رابطه‌ای قدرت، شرطی نیز هست، ولی توسط پتانسیل ساختاری حاکم مشخص نمی‌شود. نهادها ممکن است درگیر روابط قدرت شوند و موضوعاتشان را به نحوی بر روی ساختار حاکم اعمال کنند. مفهوم کنشگر، ارجاعی به برخی موضوعات کنش هستند، کنشگر فردی، کنشگر اجتماعی، سازمان‌ها، نهادها و بالاخره، شبکه‌ها. شبکه‌ها، الگوی بنیادی زندگی نوینی را می‌سازند. در همین رابطه، می‌نویسد همان طور که ما زندگی را مشاهده می‌کنیم، شبکه‌ها را نیز می‌بینیم. این شبکه‌های اجتماعی به نحوی تعامل و معانی را سبب گشته‌اند. توانایی شبکه‌ها، کنشگران جدیدی را به وجود آورده که در مقابل مراکز قدرت عرض اندام می‌کنند. با وجود این، هسته تغییرات فن‌آوری، باعث ایجاد جامعه شبکه‌ای شده و نوعی جامعه جهانی شبکه‌ای را رقم زده است (Castells 2009:10-20).

این نوشتار مشخص ساخت که چگونه جامعه جهانی شبکه‌ای، به مثابه ساختار قدرت جدید اجتماعی، به کنشگران عربی و مصری، قدرت و پتانسیل کنش در مقابل ساختار حاکم پدرسالارانه مصری را داد و بالاخره، چگونه آنها توانستند خود را به صورت کنشگر با نفوذ سپهر اجتماعی در جهت گفتمان تغییر تعریف کنند. این پژوهش با توجه به انقلاب ارتباطات در عصر جهانی شدن، انقلاب مصر را در سایه همین گفتمان تشریح کرد و اهمیت شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای را در وقوع و تکوین انقلاب مصر مورد بررسی قرار داد.

در انقلاب مصر، مردم بیش از هر چیز، امکانات نوینی را که روند جهانی شدن در اختیار بشر نهاده، به خدمت گرفتند. بر این اساس، در دنیای جهانی شده کنونی، مسأله مرکزی، تأثیر بر افکار عمومی است و حلقه مرکزی بر این تأثیر، رسانه‌های جمعی و ارتباطات جهانی می‌باشند. جهانی شدن، این امکان را به وجود آورده که شبکه ارتباطات، تبدیل به عمل جمعی و حرکت جمعی شود. به این معنا، انقلاب کشور مصر، در فرایند جهانی شدن سود می‌جوید. در انقلاب مصر نیز شاهد بودیم که جوانان و شبکه‌ای عرب، چگونه خیابان‌های کشورهای عربی را به تسخیر خود درآوردند. لذا در فرایند انقلاب مصر می‌توان به نقش فناوری‌های نوین اطلاعات اشاره کرد و نقش آن را نادیده نگرفت.



## منابع

### ۱- کتاب

- افراخته، حسن (۱۳۸۰) «جهانی شدن اقتصاد و نقش آن در ساختار فضایی و اجتماعی شهرها»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال شانزدهم- شماره اول و دوم (مهر- آبان).
- اسماعیلی، علی (۱۳۸۱) «جهانی شدن: تهدیدها و فرصت‌های ناشی از آن» آموزه. شماره ۱۷.
- بیگ، لیلا (۱۳۸۶) «فناوری اطلاعات و آینده‌ی پیش روی آن»، مجله ره‌آورد ۱۴، مرکز تحقیقات علوم انسانی.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۹) پدیده جهانی شدن: وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: نشر آگاه.
- رجبی، عباس (۱۳۸۲) «بشر در محاصره اطلاعات بیکران جهانی»، وب، شماره ۴۰ (مهر).
- ریاضی، سید ابوالحسن (۱۳۸۰) «جهانی شدن و شهر؛ بررسی پارادایم فضایی در جامعه‌شناسی شهری» اطلاعات سیاسی- اقتصادی. سال شانزدهم- شماره اول و دوم (مهر- آبان).
- داوسون، ریچارد و دیگران (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه مهدی جواهری‌فر، نشر لاجورد، تهران.
- ور.
- شوار، رابرت و پائول کیمبرلی (۱۳۷۷) فن‌آوری اطلاعات و تسهیل تجارت ملی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- گدازگر، حسین (۱۳۸۱) «جهانی‌سازی یا محلی‌سازی؟ نقدی بر تئوری زمان جهانی آنتونی گیدنز و طرفداران او». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. سال ۴۵. شماره ۱۸۴-۱۸۳ (تابستان - پاییز).
- نورانی، محمدرضا (۱۳۷۹) «جهانی شدن، کشورهای در حال توسعه و ایران»، ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۵۶-۱۵۵، مرداد و شهریور.
- ویلیامز، مار (۱۳۸۳) «تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت»، ترجمه؛ اسماعیل مردانی گیوی، ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۹۷-۱۹۶.

## ۲- اینترنتی

- آخوندی، مطهره (۱۳۸۴) «بررسی تبادل فرهنگی در روند جهانی شدن با تاکید بر هویت ملی»، برگرفته از:

<http://massmedia.mihanblog.com/post/category/۲>

- اینترنت و دموکراسی: از انقلاب مصر تا توثیتهای هوگو چاوز (۱۳۹۱) قابل دسترسی در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page>

- تابناک (۱۳۸۹) فردا روز "جمعه خشم" در مصر، قابل دسترسی در:

<http://www.tabnak.ir>

- سایت باشگاه (۱۳۸۹) از انقلاب ایران تا انقلاب مصر، قابل دسترسی در:

<http://www.bashgah.net/fa/content/show/۹۱۵۴۱>

- خبرگزاری عصر ایران (۱۳۸۹) سرایت ناآرامی‌های تونس به مصر، قابل دسترسی در:

<http://www.asriran.com>

- خبرگزاری ایتنا (۱۳۸۹) دولت مصر توئیتر را فیلتر کرد، قابل دسترسی در:

<http://itna.ir/vdcam۰n۶.۴۹niu۱۵kk۴.html#close=۱>

- خبرگزاری آفتاب (۱۳۸۹) اینترنت مصر کاملاً قطع شد، قابل دسترسی:

<http://www.aftabnews.ir/vdcee۷۸zpjh۸wei.b۹bj.html>

- خبرگزاری فارس (۱۳۸۹) رییس دستگاه امنیتی مصر معاون مبارک شد، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۸۹۱۱۰۹۱۶۲۰>

- وکیلی، محمد (۱۳۸۷) «فناوری اطلاعات چیست؟»، قابل دسترسی در:

<http://modirangroup.ir/forum/index.php?topic=1014.0>

- عبدالحی، احمد تمامی (۲۰۱۱) "فرضه الحركات الثورية في مصر" انظر الی:

<http://Aljazeera.Net>

- فاروق، دنیا (۲۰۱۱) "الشباب المصری و الحق فی المشاركة السياسیه"، انظر الی:

<http://www.yallanes>

-ملیون مستخدم لانتترنت فی مصر بعد الثورة (مارس ۲۰۱۱) انظر الی:

<http://www.Saudiyou.com>

۳- لاتین

- Bennet, A. Lenoy (1988) International Organization; Principled and Issues, Fourth Edition, New Jersey, Printice Hall.

- Labonté R. and Schrecker, T. (2007) Globalization and social determinants of health: The role of the global marketplace (part 2 of 3) Global Health.

Archive of SID